

۱. گرایش به تحزب پس از دوم خرداد.

جایگاه احزاب در ایران همواره یکی از مناقشه برانگیزترین مباحث موجود بر سر راه استمرار دموکراسی در ایران بوده و تشکیل احزاب و سیر قانونی آن برای دریافت مجوز، ابهاماتی قانونی را در اذهان و افکار عمومی و کارشناسان سیاسی ایجاد کرده است. این که مرز بین احزاب درون حاکمیت و خارج آن در کجا قرار دارد، هنوز شناخته شده نیست. حد و مرز نظارت بر عملکرد احزاب از سوی متولی آن یعنی کمیسیون ماده ۱۰ قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از نظر بسیاری از صاحب نظران با میزان مصرح آن در قانون اساسی منطبق نیست.

این موارد از جمله مباحثی بودند که در گفت و گو با دکتر محمد جواد حقشناس مشاور وزیر کشور در امور بین الملل و مدیر کل سیاسی وزارت کشور طرح، بررسی و تبیین شد و حاصل آن به صورت مقاله زیر تقدیم می گردد.

■ کیفیت فعالیت احزاب سیاسی را در حال حاضر چگونه ارزیابی می کنید؟

● بررسی فعالیت احزاب به طور کلی نیازمند تعریف دقیقی از تاریخ حزب است باید ببینیم احزاب چه وظیفه‌ای دارند تا بتوانیم در مورد کیفیت کار آنها در یک دوره مشخص به گفت و گو بپردازیم.

احزاب اصولاً در زمان مشروطه به شکل جدید وارد کشور شدند. حزب پیش از آن در کشور به

شکل گروه یا نحله و یا مجموعه فکری دنبال می‌شد و اما در شکل جدید، از زمان مشروطه و از اروپا وارد ایران شده است.

اگر بخواهیم احزاب را از همان زمان مورد بحث و بررسی قرار دهیم باید کیفیت فعالیت احزاب را در دوره‌های متفاوت در نظر بگیریم. مثلاً از دوره مشروطه تا پایان دوره قاجاریه و آغاز سلطنت رضاخان و نیز دوره سلطنت محمدرضا شاه که خود شامل دو دوره می‌شود و نیز دوره بعد از انقلاب که آن نیز مقاطع مختلفی دارد که یکی از مقاطع شاخص آن، «دوم خرداد» است. اما به طور کلی نمی‌توان احزاب را بدون در نظر گرفتن گذشته بررسی کنیم. خیلی از احزاب مارشهای تاریخی دارند. حتی خیلی از آنها که در حال حاضر به شکل عمده فعال هستند و اکثراً در اوایل انقلاب شکل گرفته‌اند، از پیش از انقلاب ریشه داشته‌اند. آنها انقلاب را به خود دیده و وارد زمان حال شده‌اند و وضعیت هر کدام از آنها نیز متفاوت است.

■ عده‌ای معتقدند که جامعه دچار نوعی حزب‌گریزی و تشکل‌گریزی است. آیا با چنین نظری

موافقت می‌کنید؟

● من خودم قبول دارم که به نوعی در کشور ما، این نگرانی در رابطه با بحث احزاب وجود دارد. نیز اصطلاح «حزب‌گریزی» را در یک مقطع تاریخی قبول می‌کنیم ولی در فضای حاضر که نشأت گرفته از دوم خرداد است، روندی کاملاً عکس این مصداق را شاهد هستیم. دلیل این مدعا نیز تقاضاهایی است که برای ثبت احزاب به وزارت کشور می‌رسد. این حکایت از آن دارد که جامعه‌ته تنها حزب‌گریزی و ویژگی‌های پیشین آن را کنار گذاشته است، بلکه نوعی گرایش نوین برای تحزب و ایجاد تشکل‌های سیاسی و صنفی در سطح کشور دیده می‌شود.

■ چه موانعی بر سر راه تشکیل احزاب و تشکل‌ها وجود دارد؟

● باید دید که وضعیت کشور ما شامل چه ویژگی‌هایی است و در مورد بحث موانع نیز می‌توان به موانع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد.

در مورد موانع سیاسی به طور مثال می‌شود به استبداد موجود در زمان حاکمیت شاه اشاره کرد. در آن مقطع زمانی، این استبداد اجازه تشکیل یک جامعه چند صدایی رانمی‌داد و تمام صداها، تفکرات

و گرایش‌ها باید به یک نقطه ختم می‌شدند. شاه حتی نتوانست جامعه دو حزبی را که خود به وجود آورده بود، تحمل کند و در نهایت جامعه را به سوی تک حزبی‌گری و یا همان حزب رستاخیز سوق داد. این تفکر در بافت سیاسی کشور ما در ذهن افرادی که شاهد این مسائل بوده‌اند، به طور حتم رسوباتی برجای گذاشته است.

این مسأله یک مشکل فرهنگی در جامعه ایجاد کرده است که یک بخش از این بدبینی برمی‌گردد به افراد سنتی جامعه که شاهد دوران قدیم بوده‌اند و امروزه نیز به مسأله حزب بدبین هستند. بخش دیگر آن به زمان جنگ برمی‌گردد که حدود ۸ سال بر مقررات کشور حاکم بود و بسیاری از فعالیت‌های سیاسی را کند کرد و آنهایی را که به طور بالقوه می‌توانستند وارد فعالیت‌های سیاسی شوند، به سوی فعالیت‌های جنگ کشانید.

مسأله دیگر دیدگاه‌های حاکمیت در دوره‌های مختلف است که حتی در بعد از انقلاب، در سطوح مختلف جامعه و حتی در رده تصمیم‌گیران سیاسی اعم از قوه مقننه (مجلس) و قوه مجریه (دولت) شاهد آن بوده‌ایم. در این مجموعه‌ها بسیار دیده شده که نگاه به حزب، نگاهی بدبینانه بوده و آن را به نوعی زمینه‌ای برای ایجاد تفرق و تفرقه می‌پنداشتند و یا موجبی برای جلوگیری از وحدت و یگانگی در جامعه ارزیابی می‌کردند.

این تفکر به طور قطع در تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذاشت و زمینه رشد احزاب را نامناسب می‌کرد. یکی دیگر از موانع، مانع تاریخی است که به زمان پیدایش احزاب در کشور ما برمی‌گردد. یکی از نگرانی‌هایی که ما همیشه در جوامع سنتی با آن روبه‌رو بوده‌ایم، درگیری پنهان و حتی آشکار میان سنت و تجدد است. حزب پدیده‌ای نوین است و طبیعتاً بافت سنتی جامعه پذیرای آن نیست. جامعه ما همیشه با پدیده‌های نو حالت تقابلی و تدافعی دارد و کمتر از این مقولات استقبال می‌شود. در ابتدا همیشه با شک، نگرانی و تردید به آن‌ها نگاه می‌شود و بعد از طرح آن‌ها در جامعه و آزمایش به تدریج آماده پذیرش می‌شود. ما در طول تاریخ شاهد این درگیری بوده‌ایم.

ضمن این که در گذشته وابستگی برخی احزاب به دو قطب شرق و غرب و از جمله وابستگی تحت الحمایه شوروی بودن آنها و یا وابستگی به مجموعه‌های فراماسونری، خود نگرانی‌هایی را ایجاد کرده و تعمیم می‌داد که نتیجه آن ایجاد علامت سؤال‌هایی در خصوص حزب بود. مانع دیگر تاریخی حزب، بحث سرکوب است. قدرت‌های استبدادی حاکم در مقاطع مشخص، آن‌گاه که به

اوج قدرت نزدیک می شدند تحزب گرایی و احزاب را برای خود خطرناک دانسته اند و برای رفع این مشکل، به راحتی با آن برخورد و آن را سرکوب می کرده اند. این سرکوب نیز عمدتاً نه به راس هرم حزب، که بر بدنه احزاب و به افرادی که عموماً معتقد، یا ایمان و با انگیزه های ملی و آزادی خواهانه بودند. وارد می شد و به عبارت دیگر صدمه اصلی را آن ها می دیدند.

■ حال با اشاره به مجموع صحبت های شما، این سؤال مطرح است، آیا کسانی که از گذشته و از دهه های پیشین فعالیت حزبی داشته اند و امروز خواهان از سرگیری یا ادامه فعالیت خود هستند، این امکان را دارند؟ به ویژه که در این میان کسانی هستند که جزو گروه های اپوزیسیون قرار دارند.

● قانون گذار برای تشکیل حزب، قانون «تشکیل احزاب» را با مواد کاملاً مشخص مطرح کرده است. چند مشخصه است که در حوزه تاسیس حزب، آنان را دچار مانع می کند. در ماده ۷ این قانون آمده است: «کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسون ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی در آمده اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاه ها طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده و یا می شوند، از حق تاسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیات رهبری آن محرومند.»

یعنی مجموعه افرادی که قانون در موردشان صراحت دارد، نمی توانند حزب تشکیل دهند یا در رهبری حزب شرکت کنند. اما در عین حال حتی در مورد این عده قانون ممانعتی برای عضویت در احزاب ایجاد نکرده است.

■ تشکل هایی بوده اند که تقاضای تشکیل حزب کرده و جواب مساعد نگرفته اند. از جمله، حزب روشنفکری دینی و حزب آزادی مردم ایران و هم چنین جمعیت ها و تشکل هایی از اپوزیسیون نظیر نهضت آزادی ایران، جنبش مسلمانان مبارز و حزب ملت ایران هیچ یک از آنها پروانه فعالیت نگرفته و ثبت نشده اند. آیا موانع ماده ۷ شامل آنان می شود یا مسائل دیگری نیز وجود داشته است؟

● به موجب ماده ۱۰ همین قانون پیش بینی شده است که به منظور صدور پروانه برای متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه ها و انجام وظایف تصریح شده در این قانون، کمیسیونی به شرح زیر در

وزارت کشور تشکیل می‌شود:

۱. نماینده دادستان کل کشور،

۲. نماینده شواری عالی قضایی،

۳. نماینده وزارت کشور،

۴ و ۵. دو نماینده از مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس از میان داوطلبانی که از داخل مجلس یا خارج آن، به معرفی یکی از نمایندگان انتخاب شده و کتبا به کمیسیون داخلی معرفی می‌شوند.

■ صدور پروانه به هر حال بر طبق همان ماده ۷ قانون احزاب است؟ این کمیسیون خارج از چارچوب

آن که نمی‌تواند عمل کند؟

● این کمیسیون مرجع تصویب تمام تقاضاهایی است که برای ثبت و گرفتن پروانه به وزارت

کشور معرفی می‌شوند.

■ بدین ترتیب آیا تمام احزاب نامبرده که نتوانسته‌اند تا به حال مجوز دریافت کنند، شامل موانع ماده ۷

شده‌اند؟

● برداشت کمیسیون در این زمینه به نظر من، برداشتی است مبتنی بر سیاست‌های حاکم بر قانون

و تا به حال پاسخ‌های رد به درخواست‌های صورت گرفته بسیار کم بوده است. تلاش قانون‌گذار و

وزارت کشور به عنوان نماینده اجرایی در این کمیسیون، در جهت ایجاد تسهیلات برای پا گرفتن

و فعالیت‌های سیاسی احزاب است.

■ ولی با این وجود موانع بوده و برخی از احزاب نتوانسته‌اند، تشکیل شوند یا پروانه دریافت کنند؟

● این بستگی دارد به تعریف شما از عدم گرفتن مجوز. مثلاً به نظر من کمیسیون می‌تواند

زمینه‌های سیاسی مناسب برای فعالیت برخی از گروه‌هایی را که نام بردید، فراهم کند. حالا ممکن

است که در بعضی از موارد کمیسیون در مورد نام یک گروه و یا روی بعضی از اهداف آن مجموعه

نظر خاصی داشته باشد. ولی، علی‌القاعده، کلیه احزاب و گروه‌هایی که قبول کرده‌باشند که در

چارچوب قانون اساسی و با اهدافی که در قالب حفظ حاکمیت و استقلال کشور و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی فعالیت کنند، نه تنها ممانعتی نخواهد داشت، بلکه گرایش به سمت دادن مجوز و ایجاد تسهیلات برای این مجموعه وجود دارد.

■ یعنی اگر مؤسسان احزاب مستقل و یا مسئولان تشکل‌های فعال که قبلاً نام برده شد، اعلام کنند که معتقد به قانون اساسی هستند، به طور قطع مجوز خواهند گرفت؟

● من در مورد تک تک این گروه‌ها حضور ذهن ندارم.

ولی خیلی از آنها قطعاً مشمول موارد ذکر شده در ماده ۷ نمی‌شوند.

اگر درخواست بیاید و هیأت مؤسس مشکلات مطرحه را نداشته باشد و اهداف گروه هم عمل در چارچوب قانون اساسی، حفظ منافع ملی و به دور از وابستگی به بیگانگان باشد، مجوز را می‌گیرند و بر اساس اساسنامه و مرامنامه‌ای که ارائه خواهند داد اگر به تأیید کمیسیون برسد، پروانه لازم را از وزارت کشور خواهند گرفت.

■ بین تمامی مواردی که تا به حال گفتیم، موضوع پروانه فعالیت نهضت آزادی ایران بیشتر از بقیه محل بحث و طرح بوده است. به طور دقیق مشکل مشخص موجود برای فعالیت این تشکل چیست که نتوانسته است مجوز بگیرد؟

● نهضت آزادی در یک مقطع نتوانسته است مجوز بگیرد که احتمالاً به دلیل عدم هماهنگی بوده است. نظر کمیسیون این بوده است که شاید این حزب نتواند متناسب با چارچوب‌های مشخص شده توسط قانون احزاب فعالیت کند. عنوان شده است که شما می‌توانید درخواست را در قالب نام جدید و با مجموعه هیأت مؤسس جدید عنوان کنید.

■ شما می‌گویید که کمیسیون فکر کرده است که شاید این حزب نتواند در قالب قانون عمل کند. اصل ۲۶ قانون اساسی می‌گوید: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع یا به شرکت

در یکی از آنها مجبور کرد، از سوی دیگر اصل بر برائت است. کمیسیون از لحاظ قانونی نمی‌تواند بگوید که چون فکر می‌کند که حزب خارج از قانون فعالیت می‌کند پس مجوز نمی‌دهد فکر نمی‌کنید که خود کمیسیون در این شرایط اقدامی خارج از قانون انجام می‌دهد؟

● می‌توان به پیشینه این حزب رجوع کرد. من در آن مقطع زمانی در جلسات کمیسیون حضور نداشتم که سابقه ذهنی در این مورد داشته باشم. از سوی کمیسیون نیز نمی‌توانم سخن بگویم. به هر حال تمامی این گزارش‌ها و توضیحات قابل ارائه هستند.

■ جامعه مدنی به گفته رییس جمهوری، دارای سه ستون شوراها، احزاب و مطبوعات آزاد و مستقل است. به نظر شما اهرم‌هایی که می‌توانند مردم را به تشکیل احزاب سوق دهند و تشویق کنند، کدام‌ها هستند؟

● ما اول باید موانع را بشناسیم و برای تک تک آنها دنبال راه‌حل باشیم. موانع بسیاری داریم از جمله فرهنگی و اجتماعی که بر روی آنها تاکید زیادی می‌کنم. یکی از آن‌ها دیدگاه‌ها و فرهنگ اخلاقی و اجتماعی مردم ماست. ما در کشور شاهد این هستیم که کارهای فردی به نوعی بیشتر مورد توجه است تا فعالیت‌های اجتماعی. در زمینه ورزش و خلاقیت‌ها نیز این مساله کاملاً قابل مشاهده است که در انواع فعالیت‌های فردی بسیار موفق‌تر بوده‌ایم اما در حوزه فعالیت اجتماعی دچار مشکل می‌شویم. بخشی از این مشکل شاید به مساله فرهنگ اجتماعی و یا عملکردی که مادر حوزه کار و اخلاقیات داریم، مربوط شود. بخش دیگر نیز مربوط به نبود آموزش مناسب برای تعمیم فرهنگ حزبی است. برای این که بتوانیم فرهنگ کار گروهی و جمعی را گسترش بدهیم نیاز به آموزش در سطوح مختلف و حتی سال‌های پیش از دبستان داریم. ولی ما در مدارس و حتی دانشگاه‌هایمان کمتر با این گونه فعالیت‌های حزبی و گروهی برخورد می‌کنیم. مساله دیگر نیز روحیه پذیرش حاکمیت استبداد است که وجود دارد. این که مردم ما همیشه انتظار ظهور فردی با قدرت‌های ویژه و غیرعادی را دارند که بتواند مشکلات آنان را یک شبه حل کند. گاهی آن قدر به دنبال قادر مطلق هستند که حتی وجود یک عنصر استبدادی را نیز می‌پذیرند. یعنی اگر حس بشود که به ارمان آوردن حتی استبداد می‌تواند زمینه ساز حل مشکلات موجود شود، بعضی از فرهنگ‌های سنتی هستند که آن را می‌پذیرند و این مساله حتی متأسفانه در جاهایی نیز اظهار می‌شود. نکته مهم

دیگر در این قالب، وجود ارتباط مستقیم بین سواد و دانش اجتماعی و فعالیت‌های حزبی است. وقتی که جامعه ما دارای اقبال نسبتاً قابل توجهی از افراد بی‌سواد است، طبیعتاً کارهای جمعی و حزبی به فعالیت‌های نسبتاً سخت تبدیل می‌شود. بخشی از فرهنگ سنتی ما نیز درجایی دیگر، اصولاً به نظام حزبی روی خوش نشان نمی‌دهد.

■ وزارت کشور چه سیاست‌هایی و راهکارهایی را برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌کند و تاکنون

در این راستا چه قدر پیشرفت داشته است؟

● وزارت کشور اگر بخواهد صرفاً در قالب کمیسیون ماده ۱۰ احزاب، انتظارات و پیشنهادات خود را بیان کند، یک نفر از ۵۰ نفر است و فقط به عنوان ۲۰٪ از کل اعضای کمیسیون می‌تواند پاسخگویی انتظارات جامعه باشد. اما به عنوان یک نهاد متولی مدیریت سیاسی کشور که باید زمینه ساز مقدمات در خواست احزاب و گروه‌ها باشد، به ویژه بعد از دوم خرداد به عنوان نهاد مسئول امر توسعه سیاسی، در دولت آقای خاتمی بیشترین تلاش را در جهت تقویت احزاب، ثبت و صدور پروانه و حمایت از آنها برای گرفتن مجوزهای قانونی داشته است. حتی به عنوان یک وکیل مدافع در کمیسیون حاضر شده و با همراهی‌هایی که اعضای محترم کمیسیون داشته‌اند، سعی داشته است تا زمان تقاضاهای تجمع و غیره را که در نوبت می‌ماند و ایجاد معطلی می‌کرد، به حداقل برساند. ما اکنون نوبت‌ها را خیلی کوتاه کرده‌ایم و در کمتر از یک ماه به درخواست‌ها رسیدگی کرده و پاسخ می‌گوییم.

■ روند تشکیل یک حزب سیاسی چگونه است؟

● اعضای موسس تقاضای تشکیل حزب را به وزارت کشور ارائه می‌دهند. سپس وزارت کشور به منظور بررسی سوابق در مورد نداشتن پیشینه موثر در دادستانی از قوه قضاییه و نیز در مورد نداشتن پیشینه موثر امنیتی از وزارت اطلاعات استعلام می‌کند. آن‌ها حداکثر در مدت یک ماه پاسخ لازم را به وزارت کشور می‌دهند. در صورت داشتن و یا نداشتن سوء پیشینه، درخواست به کمیسیون ماده ۱۰ ارجاع می‌شود. پس از انجام بررسی‌های لازم، کمیسیون تصمیم می‌گیرد که آیا می‌تواند مجوز لازم را به شکل مورد نظر بدهد یا نه؟ اگر پیشینه‌ای در کار نباشد، مجوز لازم به

حزب داده می‌شود. لکن اگر با توجه به پیشینه مشخص برخی از افراد موسس حزب کمیسیون تشخیص دهد که آن فرد نمی‌تواند در هیأت موسس حزب حضور داشته باشد، نسبت به حذف و یا جایگزینی وی اعلام نظر می‌کند.

■ در جامعه ما و با توجه به اعمال انواع نظارت‌ها، آیا اصلاً فضا به گونه‌ای است که بتوان از فعالیت احزاب به معنای واقعی سخن گفت؟
● من تناقضی میان نظارت و فعالیت نمی‌بینم.

■ در اصل هیچ تعارضی ندارد ولی آن هنگام که نظارت از حد قانونی خود فراتر می‌رود و شکلی سلیقه‌ای و «استصوابی» می‌یابد، آیا مشکل آفرین نمی‌شود؟
● در قانون احزاب، هیچ‌گونه اشاره‌ای به نظارت استصوابی نداریم. کمیسیون ماده ۱۰ دو وظیفه عمده دارد که شامل صدور مجوز فعالیت و نظارت بر کار آن‌هاست. در ارتباط با بررسی پرونده اشخاص توسط دستگاه‌های انتظامی و اطلاعاتی نیز باید گفت که طبیعتاً در یک سیستم قوی، منسجم و فعال سیاسی، احزاب قدرتمند سیاسی باید فعال باشند. ما نمی‌توانیم تشکیلاتی داشته باشیم که گرداندگانش سابقه جاسوسی داشته‌اند. این مغایر با اهداف امنیتی کشور است. ما احزاب را کاملاً در چارچوب امنیت و منافع ملی طلب می‌کنیم اما اگر حزبی بخواهد اهداف بیگانگان را در مملکت دنبال کند آیا می‌تواند در کشور فعال باشد؟

■ ولی تعدادی از احزابی که نامشان برده شد، نه جاسوس بوده‌اند و نه وابسته به بیگانه. حال به بررسی عملکرد کمیسیون ماده ۱۰ پردازیم. این کمیسیون تا چه حد در جهت تحقق اهداف دوم خرداد عمل کرده است؟

● بعد از دوم خرداد من احساس می‌کنم که فضای حاکم بر کشور دچار تغییرات اساسی شده است: بسیاری از دیدگاه‌ها تحول یافته و خیلی از مجامع و نهادهایی که در مقطع و جایگاه تصمیم‌گیری بوده‌اند، متناسب با این فضا عمل کرده‌اند. در یک بررسی مشخص می‌شود که عملکرد کمیسیون به لحاظ رسیدگی به تقاضاها در مقایسه با پیش از آن دوران، فعال‌تر شده‌اند.

درخواست‌های واصله مورد توجه جدی‌تری قرار گرفت. سرعت عمل کمیسیون افزایش یافت. پاسخ استعلاماتی که انجام می‌گرفت جدی‌تر و سریع‌تر داده شد. هیچ مورد مشخصی نداریم که بدون دلیل قانونی، کمیسیون نسبت به درخواستی، پاسخ رد داده باشد.

■ کمیسیون ماده ۱۰ چه قدر با وزارت کشور همکاری می‌کند؟

● کمیسیون علی‌القاعده به دنبال برداشت‌های خاص خود از قانون است و شاید مقید نباشد که دیدگاه‌های دولت را رعایت و در آن چارچوب حرکت کند. اعضای کمیسیون بر این باور هستند که قانون احزاب جایگاه مشخصی دارد، و در آن جایگاه موظفند آن چه که قانون بر آنان حکم می‌کند به اجرا گذارند.

■ طرح جدیدی که تحت عنوان «طرح لزوم تقویت و توسعه احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشور» از

سوی تعدادی از نمایندگان امضاء و به مجلس داده شده در چه مرحله‌ای قرار دارد و عکس‌العمل مجلس در مورد این طرح تاکنون چه بوده است؟

● از نظر من این طرح از منظری ارائه شده است که بتواند احزاب را مورد حمایت قرار دهد و تاحدودی با پرداخت یارانه و هم چنین تقویت جایگاه آنان در مطبوعات و درج بیانیه‌ها و نقطه‌نظرات احزاب، به آن‌ها کمک کند. من احساس می‌کنم که این طرح یک مقدار با عجله تهیه شده است. ما می‌توانیم در مورد احزاب کار کارشناسی پخته‌تر و مشخص‌تری انجام دهیم تا نیاز به تجدید نظر زود به زود در این مورد نشویم.

یکی از مطالبی که می‌توان به آن اشاره کرد، بحث تعریف «جرم سیاسی» است. همین‌طور حضور هیأت منصفه در دادگاهی که مجرمان سیاسی در آن محاکمه می‌شوند. این مساله اگر مورد عنایت قرار بگیرد، یکی از مشکلات عمده احزاب حل و رفع می‌شود و اگر حزبی بخواهد فعالیت کند، باید بداند که با چه دادگاهی روبه‌رو خواهد بود. اما این که تا چه مرحله‌ای پیش رفته است، تا آن جا که من اطلاع دارم این طرح به مجلس ارائه و در نوبت قرار گرفته است ولی هنوز از مراحل تصویب نهایی نگذشته است. در این مورد می‌توان اضافه کرد که فضای مجلس در مجموع در جهت حمایت از احزاب پیش می‌رود، ولی هنوز به آن مرحله نرسیده است.

که بتوان عکس العمل نمایندگان را مشاهده کرد. لکن در یک چارچوب کامل، احساس من این است که این مقوله و این طرح نیازمند مطالعه بیشتر است.

■ ماده ۳ این طرح عنوان می‌کند که دادگاه‌های عمومی و انقلاب موظفند پیش از احضار کادر مرکزی احزاب و تشکل سیاسی، دلایل و مستندات محکومیت را به اطلاع وزیر کشور و رئیس جمهوری برسانند. چه تضمینی وجود دارد که بعد از شروع به فعالیت یک حزب سیاسی، دادگاه انقلاب یا دادگاه روحانیت، علی‌رغم این قانون، بدون ارائه مستندات اقدام به بازداشت افراد نکنند. همان‌گونه که در زمینه مطبوعات، به رغم صراحت قانون مطبوعات که دخالت نهادهای دیگر به جز دادگاه مطبوعات در امر رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را ممنوع می‌کند، شاهد مداخله دادگاه‌های ویژه انقلاب هستیم، اگر این اتفاق در مورد احزاب رخ دهد، وزارت کشور چگونه حمایتی خواهد داشت؟

● به طور معمول قانون‌گذار باید خود ببیند که در صورت تخلف از قانون، چه عواقب و جرایمی و برخوردی باید با آن‌هایی که قانون را زیر پا می‌گذارند، داشته باشد. قانون خوب، علی‌القائده باید به صورت جامع وضع شود و زمینه تحقق خود را فراهم کند. این سوال باید با دوستان دست اندرکار ارائه این طرح مطرح شود که زمینه‌های اجرایی طرح را از پیش برنامه‌ریزی و پیش‌بینی کنند.

■ با توجه به پیشینه‌ای که از عملکرد دادگاه انقلاب ویژه روحانیت داریم، می‌بینیم که به رغم موجودیت قانون، آنان کار خود را می‌کنند. اگر به فرض قانون مزبور به بهترین نحو تصویب شود، ولی با تخطی رویه رو شود، وزارت کشور چگونه عملکردی خواهد داشت؟

● آن فرضی که شما در نظر می‌گیرید، در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده که اگر کسی از قاضی یک دادگاه احتمالاً شکایت دارد به دلیل خارج شدن وی از آیین دادرسی و محتوای آن، می‌تواند به دادسرای انتظامی قضات مراجعه و از آن قاضی شکایت کند، این مکانیزمی است که در سیستم قضایی پیش‌بینی شده و از این دیدگاه مشکل خاصی مشاهده نمی‌شود.

■ به نظر شما اگر مانع اصلی بر سر تشکیل احزاب ماده ۷ نیست، پس چیست؟

● عزم و اراده عمومی می تواند بسیار مفید باشد. مثلاً بعضی مطبوعات را مانع توسعه احزاب می دانند و می گویند کارکرد مطبوعات مانع از این است که احزاب به وظایف خود برسند یعنی نوع توسعه و فعالیت فعلی مطبوعات عملاً جای توسعه احزاب را گرفته است.

■ دیدگاه دیگری هم در جامعه هست که می گوید چون احزاب زمینه رشد ندارند، مطبوعات علاوه بر رسالت خود، بار آنان را نیز بر دوش می کشند.

● من البته خودم با این دیدگاه موافق هستم. درست است که هر دو این مقولات ستون های جامعه مدنی هستند ولی احتمالاً به دلیل وجود موانع متعدد که یا ذاتی و یا عرضی هستند، مطبوعات رشد خودشان را می کنند و دلیلی ندارد که این رشد را در تقابل با رشد احزاب ببینم. رشد احزاب را باید در خودشان بررسی کرد. احزاب را باید با دید کلان و با لحاظ نمودن موانع موجود در تمام حوزه ها مورد تدقیق قرار داد.

■ موانع اقتصادی تشکیل احزاب را چگونه ارزیابی می کنید؟

● اقتصاد ما عمدتاً اقتصاد دولتی بوده است. بخش های تعاونی و خصوصی تاکنون در اقتصاد ما بخشی های قوی نبوده و در حوزه فعالیت احزاب حضوری نداشته اند. اگر بتوانیم به سمت تقویت اقتصاد تعاونی پیش برویم، این بخش از اقتصاد، می تواند به خوبی این افکار را در حوزه اقتصاد دنبال کرده و با آن ارتباط برقرار کند.

موارد دیگری که دولت باید به آن پردازد، بخش سوادآموزی و بخش دانشگاه و فرهنگ و در جهت تبیین کارکرد احزاب برای گروه های سنتی است. هم چنین از منظر دینی باید بررسی شود که احزاب پدیده ای نیستند که در تقابل با شرع قرار گیرند و یا مبانی شرعی را مورد لطمه قرار دهند. این مسائل باید روشن شود تا از این ذهنیت هایی که وجود دارند فاصله بگیریم.

■ از این که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزاریم.